

ماجرای عشق و عاشقی میدون

حواست باشدزن



پوریا عالمی

● توی پاکستان یک برادری خواسته در حق خواهرش برادری کند، جانش را گذاشته کف دستش. قبلا برادرها فقط دستِ بزن داشتند الان تحت ویندوز شدند و علاوه بر دَستِ بزن، دستِ بکوب هم پیدا کرده‌اند.

سوفیا، خلاصه حواست باشد.

توی اصفهان و اینا هم چند نفر می‌خواستند حق مردانگی و هم‌وطنی را به‌جا بیاورند، اسید پاشیدند روی دخترهای مردم.

سوفیا، خلاصه حواست باشد.

توی همین فامیل ما هرکسی می‌خواهد حق همسری و شوهری را ادا کند سریع دوتا زن می‌گیرد که عدالت را ببینان برقرار کند.

سوفیا، خلاصه حواست باشد.

الان هم کسی بخواد حقوق شهروندی و حقوق برابر به زنش بدهد، حق طلاق را می‌دهد به او تا حق زندگی را ازش بگیرد! و تا چیزی شد بگوید برو طلاق بگیر بابا.

سوفیا، خلاصه حواست باشد که من چقدر دوست دارم. قربان تو! میدون دوم.

بر فراز آسمان

آتش‌هایی‌که درشعله‌شایعه سوختند!

● شرق: سوختن درخت‌های ورزشگاه آزادی، آتش‌سوزی در پتروشیمی ماهشهر و بوعلی، آتش‌سوزی در پاساژ قدیری شهر رشت، برخورد یک کامیون با خانه‌ای بین‌راهی در استان فارس و انفجار لوله‌های گاز، سوختن بیمارستانی در شهر برازجان، آتش‌سوزی در خوزستان به خاطر ترکیدن لوله و نشت گاز مارون، سوختن برج لوکس سلمان در مشهد، آتش‌سوزی مهیپ برج طاووس در بندر انزلی، سوختن یک کارگاه پارچه در خیابان مولوی تهران و کارخانه ای در ریزد ... چرا حوادث تلخی مانند آتش‌سوزی یکباره آتش‌سوزی‌های گرج‌سوزی‌هایی پرتعداد شده‌اند که به خبر روزگروه‌های تلگرامی بدل شده‌اند و شایعاتی درباره خراب‌کاری درباره آنها منتشر شده است؟ آمارهای آتش‌نشانی نشان می‌دهد که فقط در استان گیلان و در فاصله ۲۰ روز اخیر، بیش از ۲۰۰ مورد آتش‌سوزی کوچک و بزرگ رخ داده و این در حالی است که بسیاری از آتش‌سوزی‌های کوچک، ارزش اطلاع‌رسانی را ندارند و عموما به وسیله خود مردم خاموش می‌شوند. در دو حادثه مشابه، دو برج بزرگ، لوکس و قیمتی در دو نقطه کشور طعمه حریق شده‌اند؛ انتشار این اخبار، باعث شد که کانال‌های تلگرامی، پر شوند از عکس‌های آتش‌سوزی‌هایی که در این یک ماه اخیر در سراسر کشور رخ داده‌اند و به‌تبع آن، یک کلاغ و چهل کلاغ کردن، شروع شد. یکی از ساکنان برج طاووس بندر انزلی به «شرق» آتش‌سوزی ای دست داده‌اند، دل و دماغ خواندن این خبرهای دروغ را ندارند: «ما آنجا بودیم و نزدیک بود در آتش بسوزیم. آنها چطور خبر دارند که مدام خبر تازه‌ای منتشر می‌کنند. تنها خبر این است که یک هفته از آتش‌سوزی گذشته و تمام ۳۰ خانواده این برج ۱۷۰۰ واحدی مجبور شده‌اند ه‌رشب اجاره ۸۰هزار تومانی هتل را بپردازند تا کارشانسان بیمه برای برآورد خسارت به برج بیایند. اگر مگر می‌شود یک هفته سرگردان باشیم؛ درحالی‌که حتی نمی‌دانیم وسایل شخصی ما در آن اتاق‌های سوخته در چه وضعی هستند؟». با این‌همه کانال‌های تلگرامی، باعث شدند که نیروی آتش‌نشانی به صورت جدی‌تر وارد عمل شوند و حتی در مواردی پای پلیس هم به میان بیایند تا در کنار جلوگیری از خسارت بیشتر، وضعیت را بررسی کنند و شایعات را پایان بدهند. سوختن برج سلمان مشهد هم به همین اندازه حاشیه‌ساز شده است؛ آن‌هم بیشتر به این خاطر که در کانال‌های تلگرامی، پیامی با محتوای شادی سعودی‌ها از سوختن این برج در حال دست‌به‌دست شدن است و خیلی‌ها می‌گویند دلیل این حادثه هرچه باشد، ازبین‌رفتن سرمایه ۷۰۰میلیاردتومانی برج، قطعا خیلی از دشمنان پیشرفت مشهد را در خارج از مرزها خوشحال می‌کند. اما حتی نیازی به راهدوررفتن نیست؛ آتش‌سوزی یکی، دو روز اخیر خیابان مولوی تهران هم درسته شبیه به آتش‌سوزی پاساژ قدیری رشت در شبکه‌های اجتماعی است؛ به دست شده و یک کلاغ چهل کلاغ شده است؛ درحالی‌که یک انبار کالا به خاطر سرایت آتش، شعله‌ور شده بود، شبکه‌های مجازی شایعه‌سازی را شروع کرده و آن را به حوادث ماهشهر مرتبط دانستند، آن هم درسته شبیه به آتش‌سوزی تلویزیون، در برنامه‌ای به تشریح ختنی‌سازی ماموریت گروه‌های داعشی در ایران پرداخت. شاید کسانی که بازتاب‌دهنده شایعه‌ها و اخبار دروغ، آن هم در این روزهای پرتشن هستند، ندانند که یک شبیه ساده تا چه حد می‌تواند جنگ روانی در رسانه‌های مجازی به راه بیندازد و شهروندان عادی را نگران امنیت خود کند.

شترخوارروزنامه

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۲۸ تیر ۱۳۹۵ @ ۱۲ شوال ۱۴۳۷ @ ۱۸ جولای ۲۰۱۶ @ سال سیزدهم @ شماره ۲۶۳۲ @ ۲۰ صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۱۱ @ اذان مغرب ۲۰:۳۹ @ اذان صبح فردا ۴:۲۱ @ طلوع آفتاب ۶:۰۳

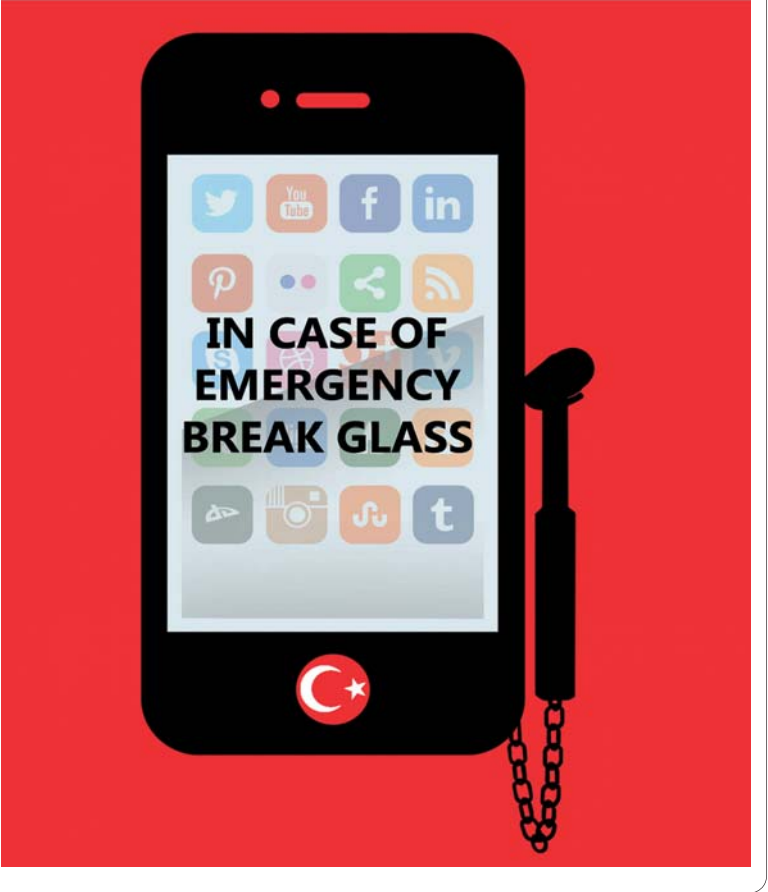
روزنارضا

کارتون خواب

علی رومانی

aliromani84@gmail.com

اردوغان با استفاده از شبکه های اجتماعی روند کودتا را تغییر داد



پسرای عمو صحرا

ناجی بچه لاک پشت‌ها در سواحل



آزاده تاج‌علی

هندورابی جزیره عجیبی است؛ عجیب به جایی می‌گویند که جاده ندارد، آسمنش را خیلی‌ها نشنیده‌اند و به جای خیابان، مردم نشانی را با اندازه درخت‌ها به یاد می‌سپارند؛ کنار آن درخت بزرگ اکاسیا یا پشت درخت پر از گِره انجیر معابدی که دورچین سنگ سفید داشت. هندورابی جزیره زیبایی است؛ زیبا به جایی می‌گویند که ماشین ندارد و مردم از قلیق‌های ساده برای رفت‌وآمد استفاده می‌کنند. قلیق‌های کم‌شمار با دو پارو روشنشان. منطق ساده پاروزن برای رسیدن به یک جای دیگر هنوز در این جزیره حاکم است و اهالی روستای هندورابی چندروز یک‌بار، پارو می‌زنند تا به یک روستای ناشناخته دیگر بروند؛ چپویه که خودشان می‌گویند: شیرویه. می‌روند آنجا که روغن مایع، صابون، برنج و احتمالاً قند بخرند تا بیاورند به خانه‌های سنگ و گچی ساده‌شان و بدون توجه به بزرگراه‌های شرق به غرب، غایبشان را بخورند، به بچه‌ها و بزرگ‌هایشان نگاه کنند و روزگار بگذرانند. شمال شرقی جزیره و کمی دورتر از اهالی روستا، یک مرد ۵۶ساله، سومین سال زندگی‌اش را در هندورابی می‌گذراند. محمدرضا در یک چادر پیشرفته زندگی می‌کند. او راحت می‌خواهد، راحت بیدار می‌شود و سخت کار می‌کند. کار اصلی‌اش نگهداری از تاسیسات یک سایت گردشگری در هندورابی است و کار فرعی‌اش نجات بچه لاک‌پشت‌های بی‌وزنه‌قالبی خلیج‌فارس. لاغر است. زیاد غذا نمی‌خورد و برخی از کتاب‌های مربوط به زئراتور و سیستم‌های آبرسانی را برای مطالعه شبانه در چادرش نگه می‌دارد، اما برای نگهداری از لاک‌پشت‌ها کتابی نداشته و در دانشگاه نوده هندورابی مدرک گرفته است. او می‌گوید: اوایل آمدم یک روز ماجرای عجیبی دیدم. هر جا قدم می‌گذاشتم بچه لاک‌پشت بود که تندتر راه می‌رفت. اول فکر نمی‌کردم ماجرای بدی باشد اما چند ساعت بعد به جای بچه‌های زنده و تندرو، با جسد بچه‌ها روبه‌رو شدم و سریع به ذهنم رسید که باید آنها را ببرم به آب برسانم. این کار را هم کردم، اما روزهای بعد، هنوز همه جا جسد این زبان بسته‌ها را می‌دیدم. نمی‌دانستم باید چه کار کنم فقط تلاش می‌کردم تا جایی که می‌توانم از خشکی جمعشان کنم و به دریا برسانم؛ می‌فتم و دسته‌دسته بچه لاک‌پشت در یک تشتت جمع می‌کردم و می‌رساندم به آب. این کار هر روز ادامه داشت اما هر روز تلفات هم داشتیم، تا

مهسا علی‌بیگی: از فرانسه تا بغداد و ترکیه دستخوش خشونت هستند. اما در این ایام یک رویداد جهانی را داریم: «روز جهانی نلسون ماندلا». از «جاوید قربان‌واغلی»، سفیر پیشین ایران در آفریقای جنوبی، پرسیده‌ایم پیام ماندلا برای این روزهای ما چیست؟

✎ در منش و زندگی نلسون ماندلا چه ویژگی‌ای وجود دارد که روزی جهانی به نام او ثبت شد؟
مهم‌ترین ویژگی‌ای که تاکنون درباره ماندلا گفته و تکرار شده، «گذشت و عفو» یا عبارت معروف گذشت می‌کنم اما فراموش نه (forgive, not forget) است. تعمق در این مفهوم «عمل سیاسی» ماندلا که آوازه‌ای جهانی دارد، مهم‌تر از خود واژه یا عبارت است. از شرایطی اجتماعی و سیاسی‌ای که ماندلا در آن زندگی و مبارزه کرد و ۲۷ سال را در زندان گذراند، کم‌وبیش همه آگاهی دارند. سؤال این است که چگونه آن شرایط، این‌گونه انسانی را می‌سازد که به قول رئیس دولت اصلاحات، در اوج پیروزی به تصمیم از سوی قوه قضائیه اعتراضاتی مطرح کرد، پس از فتح مکه است. من مهم‌ترین ویژگی ماندلا را «دل‌عاری از کینه» او می‌دانم. ایسن ویژگی بود که ماندلا را شهره عالم کرد تا جایی که دشمنانش را هم در مقابل خود به تکریم و احترام وادار کرد. پاسخ به این سؤال که چگونه انسانی که آن‌چنان هم اعتقادات مذهبی استواری نداشت، به «تندیس

خطای پزشکی

همه‌بیماران‌تان عباس کیارستمی خواهند بود

نعمت احمدی . حقوق‌دان

سال گذشته، ریاست محترم قوه قضائیه در بخش نامه‌ای به همه قضات اعلام کردند که درباره پرونده‌های پزشکی از جرائم جایگزین استفاده شود. این بخش‌نامه، در پاسخ به نگرانی‌های جامعه پزشکی درباره ماده ۶۱۶ مجازات اسلامی بود؛ اما صاحب همین قلم، در همان زمان نسبت به این تصمیم از سوی قوه قضائیه اعتراضاتی مطرح کرد، با این‌عنوان که در نظر قانون‌گذار، همه در برابر قانون یکسان هستند و چنین نظری، حکایت از نوعی تبعیض دارد. بااین‌همه، گشوده‌شدن پرونده عباس کیارستمی و پس از آن فعالیت‌هایی که در شبکه‌های مجازی مبنی بر «خطای پزشکی» صورت گرفته، دغدغه‌هایی را درباره چگونگی رسیدگی به تخلفات پزشکان مطرح کرده است. واقعیت این است که پزشکان کشور نیز مانند بسیاری از صنف، پرونده‌های خود را ابتدا در تشکیلاتی زیر مجموعه سازمان نظام پزشکی که یک نهاد صنفی پزشکان است، بررسی می‌کنند. به‌این‌ترتیب نهادهای که نظر کارشناسی محمدرضا ادامه می‌دهد: سازمان پزشکی قانونی است و نهادی که این نظر را تبدیل به رای کرده، کمیسیون سازمان نظام پزشکی است. چندان نباید عجیب باشد که چرا پزشکی‌که با پرداخت حق عضویت عضو نظام پزشکی می‌شوند، می‌توانند در پرونده همکاران خود اظهارنظر کنند؛ چراکه در بسیاری از صنف، پرداختن تخصصی به پرونده‌های آن صنف، به عهده نهادهایی از این‌دست است. چنین نهادهایی در حقیقت محاکم اختصاصی غیرقضائی‌اند و در بسیاری از صنف‌ها وجود دارند. تنها منفی‌که از چنین ساختاری بی‌بهره است و لاجرم پرونده‌هایش در بدو گشایش، در محاکم قضائی بررسی می‌شود، صنف روزنامه‌نگاران است که تلاش‌ها برای بازگشایی انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تاکنون بی‌نتیجه بوده است. کسانی که نگران پرونده کیارستمی هستند، باید به این نکته توجه کنند که دادرسی نظام‌پزشکی بعد از بررسی پرونده، رای خود را صادر می‌کند؛ اما به این رای براساس تبصره الحاقی به ماده ۴۰ قانون سازمان نظام‌پزشکی، در دادگاه‌های تجدیدنظر استان می‌توان اعتراض کرد و در آنجا دیگر پزشکان، محل صدور رای نیستند. اما به اعتقاد این حقیر، پرونده کیارستمی امروز یک فرصت است، چراکه به صورت ویژه و در سطح جهانی از سوی رسانه‌ها و جامعه پزشکی به آن توجه شده است و می‌توان از آن ضمن جلوگیری از ختم حرمت جامعه پزشکی برای محاکمه پزشک خاطی استفاده کرد. این برخورد با کیارستمی که منجر به چهار بار جراحی بدن ایشان شد، از نظر من یک مسئله مهم است، اما بهتر است پزشک خاطی به این سؤال پاسخ دهد که آیا نمی‌توانست با وسواس و دقت بیشتر، از دفعات ارفاق ایشان بپاشا به‌کاهد؟ آیا درست است که پیدا پزشکان کشور صرفا به خاطر نام و آوازه‌ای که پیدا کرده‌اند، کارهای پزشکی خود را به زیردستان‌شان بسپارند؟ هیچ محکمه‌ای نمی‌پذیرد که مسئولان بیمارستان و پزشکان متخصص و باتجربه، عباس کیارستمی را نمی‌شناخت‌اند. آنها می‌دانسته‌اند که بیمارشان کیست؛ اما نمی‌دانسته‌اند که جامعه تا این میزان نسبت به این چهره هنری خود واکنش نشان می‌دهد. باید امروز از این فرصت استفاده کرد و جلوی تکرار این مسائل را گرفت. پزشک خاطی باید مجازاتش را بپذیرد و تحمل کند و این پرونده با خسران بزرگی که به بدنه هنری کشور وارد کرده، درس عبرتی باشد برای دیگر پزشکان که بیماران‌شان را از یاد نبرند و همه را مانند عباس کیارستمی بدارند.

اخلاق» تحول می‌یابد، واقعا دشوار است. تصور می‌کنم آنچه ما در عرفان عملی «جهاد نفس» نام نهاده‌ایم، در ماندلا تجلی عینی پیدا کرد و به قول سعید حجاریان، عارف واصل شد و آن‌قدر روح خود را صیقل داد تا توانست به منزل تجلیه برسد.

✎ ویژگی‌های اخلاقی چطور با سیاست پیوند خورد؟
از منظر عمل سیاسی، اتفاقا ماندلا برای آینده بهتر و رفاه مردم کشورش «کوه کینه» ناشی از مظالم آپارتاید را از دل بیرون کرد و این چنین شد که از «رازپانه سیاه» ماندلایی ساخته شد که آفریقای جنوبی را از یک کشور منغور و مطرود به کشوری قابل احترام در جهان تبدیل کرد. در کنار این ویژگی، اگر بخواهیم وجه تمیزه ماندلا با دیگر سیاستمداران را تیتروار ذکر کنیم، من به مواردی نظیر ترک قدرت در اوج محبوبیت که جز در جوامع پیشرفته جهان امری نادر است، شمولیت رهبری بر همه آحاد ملت و تفکیک‌نکردن آنان به دوست و دشمن شجاعات، عقلانیت و شفقت در اداره کشور و پیوند اخلاق و سیاست که در ظاهر دو مفهوم متضاد هستند، اشاره می‌کنم. نام‌گذاری یک روز در سال به نام یک شخصیت سیاسی از سوی مهم‌ترین نهاد بین‌المللی، پدیده منحصربه‌فردی است و تاکنون سابقه نداشته. این امر نمایانگر جایگاه ویژه ماندلا در سطح جهان است.

✎ فکر می‌کنید اگر ماندلا امروز زنده بود، چه پیامی برای سیاستمداران و پایان خشونت‌ها داشت؟

در ۱۰ آوریل ۱۹۹۳ دقیقاً یک سال قبل از انتقال

سلام به فردا

از مذاکرات قطع‌نامه ۵۹۸ تا مذاکرات هسته‌ای



ابراهیم امصغر‌زاده

سریع‌تر در جامعه جایگاه خود را پیدا کند. امروز به‌خاطر دورشدن از آن سال‌ها تشخیص منافع ملی دشوارتر شده است. امروز عده‌ای ازجمله شخص من می‌اندیشیم که تحریم و زندگی زیر سایه تهدید جنگ برخلاف مصالح ملی است اما عده‌ای بر این گمان‌اند که مصالح ملی در گرو ادامه‌یافتن تحریم و انزوا در جامعه جهانی است. از همین‌روست که در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۹۲ حسن روحانی به نمداد حل پرونده هسته‌ای و سعید جلیلی به نماد تداوم بحث هسته‌ای بدل می‌شوند. در کنار همه اینها لازم است از تفاوتی سخن به میان آورده شود که نشان از بلوغ و تجربه ایران در مذاکره در این سال‌ها دارد. یکی از اشکالات جدی‌ای که به قطع‌نامه ۵۹۸ گرفته می‌شد، تعیین‌نشدن متجاوز و میزان خسارت در متن قطع‌نامه بود. در آن زمان براساس محاسباتی که شده بود، تنها خسارت غیرنظامی‌ای که باید به ایران پرداخت می‌شد، نزدیک به صد میلیارد دلار بود. اما در متن قطع‌نامه نه خبری از این خسارت‌ها بود و نه حتی نامی از متجاوز و متخاصم. این اتفاق به چند دلیل رخ داد؛ اولاً براساس نظر کارشناسان نظامی ما ازجمله نظراتی که در نامه محسن رضایی به امام نوشته و در آن مطرح شد که ما تا پنج سال آینده هیچ دستاوردی در جنگ نخواهیم داشت، پذیرش قطع‌نامه با این شرایط ناگزیر و دست دیپلمات‌های ما بسته بود و ثانیاً ما به‌دیر کل سازمان ملل اعتماد کردیم و معتقد بودیم پس از آتش‌بس کمیته‌ای تشکیل خواهد شد که از درون آن تعیین متجاوز و خسارت بیرون خواهد آمد. این اتفاق اگرچه نیتقاد اما ما امروز در مذاکره به جایگاهی رسیده‌ایم که در متن برجام انعکاس یافته است. این مذاکرات بسیار دقیق و علمی انجام شده است. ایران در این مذاکرات تهدید پرونده هسته‌ای را که با ادبیات دولت پیشین به وجود آمده بود به فرصت تبدیل کرده است. به این شکل که امروز تمام حقوق علمی و اقتصادی ناشی از انرژی هسته‌ای برای ایران محفوظ است. معتقدم این اشتباهات دولت محمود احمدی‌نژاد بود که این پرونده علمی و اقتصادی را به پرونده‌ای امنیتی تبدیل کرده بود و آتش پروژه ایران‌مراسی و شیعه‌هراسی را شعله‌ورتر می‌کرد و مذاکرات منتهی به برجام این آتش را خاموش کرد. مذاکرات دقیق، پیچیده و موفقیت‌آمیز برجام، تفاوت‌های بسیاری با مذاکرات پذیرش قطع‌نامه دارد و آن حاصل تابا نشی از مصلحت‌سنجی و صلح‌طلبی ایران است. از همین رو معتقدم در روزهای هشتم که باید آنها را مهم بدانیم، روزهایی که پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ پایان یک جنگ و امضا و اجرای برجام جلوگیری از جنگی احتمالی را رقم زد.

همین حوالی

دنیا در ۳ کلمه

قبل. هرکسی نتوانسته احساس و نظر خود را بیان کند. حساس باش، برای کسی مهم نیست، گم‌شدن پیداشدن روح، قدرتت را بپشناس. دنیا آرامش بخشش! این‌همه جنایت! بله‌بله می‌توانی و... یک عده هم سعی کردند از این سه کلمه استفاده اقتصادی انجام دهند، با قراردادن شکل محصول و کالای خود را تصویر می‌کنند: کالای اسپانیایی بخار، پر از هیجان. این سه کلمه می‌تواند فرصتی برای مرور دنیا باشد.

چگونه می‌توان دنیا را در سه کلمه خلاصه کرد؟ این اتفاقی است که این روزها در شبکه‌های اجتماعی رخ می‌دهد، بعد از ماجرای کشتار نیس، بعد از کودتای شکست‌خورده ترکیه و بعد از گروگان‌گیری در ارمنستان، بعد از همه جنایت‌هایی که داعش انجام می‌دهد و بعد از همه بی‌تدبیری‌هایی که در عرصه سیاست رخ می‌دهد، مردم تنها با سه کلمه می‌خواهند آن را توصیف کنند. از سال ۲۰۱۰ تا همین چندساعت